



چهارشنبه 11 آذر 1394 - 20 صفر 1437 - 2 دسامبر 2015

شهادت «میرزا کوچک خان جنگلی» رهبر قیام مردمی جنگل...

* 11 آذر در گذر تاریخ

* شهادت «میرزا کوچک خان جنگلی» رهبر قیام مردمی جنگل (1300ش)
اشاره:

میرزا یونس معروف به میرزا کوچک خان

در سال 1259 ش برابر با 1298 قمری

در شهر رشت چشم به جهان گشود و

بیشتر تحصیلات خود را در شهرهای رشت

و تهران گذراند. میرزا در 1286 شمسی

در گیلان به صفوف آزادی خواهان پیوست و برای سرکوبی محمدعلی شاه قاجار،

روانه تهران شد. میرزا کوچک خان بعدها نهضت جنگل را پایه گذاری نمود و

در اواخر سال 1294 ش، همزمان با جنگ جهانی اول،

چون اوضاع ایران را پریشان و آن را

در اشغال بیگانگان می دید، با گرایش

به اندیشه اتحاد جوامع اسلامی، کمیته ای به نام

«اتحاد اسلام» را در حوالی تالش تشکیل داد.

در سال 1919 م قراردادی میان ایران و انگلیس امضاء شد که در صورت اجراء،

نفوذ بیشتر انگلیسی ها را در ایران به دنبال داشت. انعقاد این قرارداد، زمینه حرکت های مخالف

دخالت بیگانگان در ایران، از جمله نهضت جنگل را

فراهم ساخت. در نهایت قیام مسلحانه

میرزا کوچک خان با تعداد اندک یاران با وفایش

که مجذوب اندیشه های انقلابی و معنوی وی

شده بودند در گیلان آغاز گردید و

در اندک مدت، از حمایت بی دریغ مردم آن سامان

برخوردار شد.

در این حال، قزاق های روسی و نیروهای انگلیسی و قوای دولتی، هر کدام جداگانه

و یا متفقاً برای سرکوبی این حرکت،

با گروه های چریکی جنگل درگیر شدند و

این نشان می داد که افکار و آرمان های سردار جنگل

با منافع و مقاصد هیچ کدام وفق نمی داد.

اگرچه میرزا در ابتداء پیروزی های چشمگیری به دست آورد، اما پس از چند درگیری

با قوای دولتی، بر اثر توطئه های روسیه و انگلیس و بروز تفرقه میان اعضای اصلی نهضت،

نیروهای میرزا پراکنده شدند.

میرزا هم که به منظور گردآوری نیرو از زادگاهش خارج شده بود، در اثر برف و سرمای شدید در جنگل های شمال ایران توان خود را

از دست داد.

مزدوران رضاخان که در تعقیب او

بودند، وی را نیمه جان یافتند و در نهایت یکی از یاران خائن جنگلی، سر میرزا

را به نشانه پایان قیام جنگل برای رضاخان به ارمغان بُرد. میرزا کوچک خان جنگلی، سخت به اتحاد جهان اسلام عشق می ورزید

و در راه آن تلاش می کرد.

او بارها در برابر مردم گیلان، هدف

از نهضت خود را احیاء قوانین اسلام معرفی نمود و متذکر شد که میرزا کوچک هرگز اسلحه را از خود دور نخواهد کرد مگر وقتی

که مطمئن باشد افراد ایرانی

از تجاوز متجاوزان بیگانه و ستمکاران داخلی،

در امان بوده و از رفاه برخوردار شوند.
تاخت و تازهای خارجی در صحنه سیاست و
اقتصاد کشور و سیاست بازی عناصر منافق،
وضع آشفته کشور و بی‌کفایتی دولتمردان، انگیزه‌هایی بود که این روحانی جوان و دلسوخته را
به میدان سیاست و سپس صحنه کارزار
کشاند تا این که در این راه به شهادت رسید.
پس از شهادت میرزا، تلاش‌های چند تن دیگر
از یارانش برای زنده نگه‌داشتن نهضت جنگل
راه به جایی نبرد و این جنبش پایان پذیرفت.

* شیخ صفر برادر شیخ شارجه که در جزیره ابوموسی از نیروی ایران استقبال نموده بود به ضرب 2 گلوله از پای
درآمد(1350ش)

* دولت عراق از شیخ شارجه
که با ایران برای واگذاری
جزیره ابوموسی توافق نموده است شکایت کرد(1350ش)

* از بلغارستان
یک هیئت بلندپایه بازرگانی
به ایران آمد(1352ش)

* احمدعلی بهرامی سفیر ایران
در پکن شد (1353ش)

* شعاع الدین شفا سفارت ایران
در قطر را عهده دار گردید(1353ش)

* درخواست امام خمینی(ره)
از سربازان برای فرار از پادگان ها
(1357 ش)
اشاره:

در حالی که با آغاز محرم، مبارزه مردم علیه دستگاه جور پهلوی، به اوج خود
نزدیک می‌شد و رژیم در حال فروپاشی طاغوت،
برای نگاه داشتن خود، دست به هر کاری می‌زد، حضرت امام خمینی(ره) با صدور پیامی
عنوان کردند: «اخبار طاقت‌فرسای ایران عزیز
تا این ساعت که یک روز از محرم نگذشته است، روح و جان اینجانب را معذب نموده است. من، آنان را که با سکوت و احیاناً
با اعمال خود از شاه خیانتکار پشتیبانی می‌کنند نصیحت می‌کنم که به ملت مظلوم که
برای اسلام خون می‌دهند و فداکاری می‌کنند، بی‌یوندد. من از سربازان سراسر کشور

خواستارم که از سربازخانه‌ها فرار کنند.
این وظیفه‌ای است شرعی که در خدمت ستمکار
نباید بود. اعتصاب بزرگ خود را هرچه بیشتر
ادامه دهید و دستگاه این خائنین یاغی را فلج کنید». این پیام امام با استقبال وسیع سربازان و
نیروهای مسلح قرار گرفت و نیروهای متدین ارتش
و قوای انتظامی که حاضر به رویارویی
با مردم نبودند، از پادگان‌ها فرار کردند.
این عمل باعث پیوستن نیروهای مذهبی ارتش
به مردم شد و حرکت انقلاب را
شتاب بیشتری داد.

* مراسم چهلمین روز شهادت حاج سید مصطفی خمینی از سوی حوزه علمیه قم در مسجد اعظم برپا گردید. (1356ش)
اشاره:

عده ای از وعاظ برجسته قم در این مجلس سخنرانی کردند. در این مجلس قطعنامه های حوزه علمیه قم توسط محمدجواد
حجتی کرمانی
قرائت گردید که در آن بازگشت آیت الله خمینی
به وطن و آزادی زندانیان سیاسی
تأکید گردیده بود.

* همه پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
(1358 ش)
اشاره:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به منظور اجرای احکام و قوانین الهی، طی انتخاباتی، مجلس خبرگان قانون اساسی تشکیل و
به تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخت. این قانون در 24 آبان 58
به تصویب اکثریت نمایندگان مجلس خبرگان
رسید و سرانجام در همه‌پرسی که
طی روزهای دهم و یازدهم آذر ماه 1358 انجام گرفت، مردم مسلمان ایران با 5/99 درصد،
رأی قاطع و موافق خود را درباره قانون اساسی
دادند. حضرت امام خمینی(ره) پس از تنفیذ
قانون اساسی فرمودند: قانون اساسی،
یکی از ثمرات عظیم، بلکه بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی است.

* انتخاب هفت تن
از فقهای عظام به عنوان
مرجع تقلید توسط جامعه مدرسین (1373ش)
اشاره:

پس از ارتحال حضرت آیت‌الله العظمی اراکی،
به علت عدم وجود مرجع جامع الشرائط علی‌الاطلاق،
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در جلسه خود،
تعداد هفت نفر از علماء جائزالتقلید و
مرجع علی‌التعیین را معرفی نمودند که عبارتند از:
حضرات آیات عظام: سیدعلی حسینی خامنه‌ای
(مقام معظم رهبری)، محمد فاضل لنکرانی، محمدتقی بهجت فومنی، حسین وحید خراسانی،
ناصر مکارم شیرازی، میرزا جواد تبریزی و سیدموسی شبیری زنجان. (حَقَّظَهُمُ اللهُ تَعَالَى أَجْمَعِينَ).

* 20 صفر در گذر تاریخ

* اربعین حسینی « روز زیارتی مخصوص حضرت سیدالشهدا »
اشاره:

اربعین در لغت، به معنای چهل، چهار دهه (لغت نامه دهخدا، 164/5) و در اصطلاح، سپری شدن چهل روز از مرگ کسی و بر پای داشتن مراسمی برای بزرگداشت اوست. این واژه در اصطلاح شیعه، به طور خاص بر روز بیستم ماه صفر یعنی چهل روز پس از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش اطلاق می گردد (همان) و به اربعین حسینی نامبردار است.

* ورود اهل بیت سیدالشهداء

به کربلای حسینی (61 ق)

اشاره:

بنا بر روایتی مقارن چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) کاروان اهل بیت پیامبر (ص)، پس از افشای ماهیت ضد اسلامی یزید و حقانیت امام حسین (ع)، به سرزمین کربلا بازگشتند. بنابر همین روایت، خاندان امام حسین (ع) در آنجا با صحابی بزرگ پیامبر، جابر بن عبدالله انصاری و عده‌ای دیگر از یاران امام (ع) مواجه شدند که برای زیارت قبر امام حسین (ع) آمده بودند. آنان با سوگواری و سوز و گدازی حسرت بار، یاد آن امام شهید و مظلوم را گرامی داشتند و پس از مدتی راهی مدینه شدند.

* ورود «جابر بن عبدالله انصاری» به سرزمین کربلا و زیارت قبر مبارک امام حسین (ع) (61 ق)

* درگذشت شیخ «جعفر شوشتری» محقق و عالم بزرگ مسلمان (1303 ق)

اشاره:

شیخ جعفر بن حسین بن علی شوشتری از محققین و علمای بزرگ اسلام و

فقیهان عالی مقام و مجتهدین امامیه بود.

اوقات او در امور دینی و ارشاد مردم و موعظه سپری گردید. وی از شاگردان محمدحسن نجفی، صاحب جواهر، شیخ مرتضی انصاری و شریف العلمای مازندرانی و دیگر بزرگان بود. وی اولین کسی است که در مسجد سپهسالار تهران اقامه‌ی جماعت نمود.

وی در حوالی کرمانشاه بدرود حیات گفت و جنازه‌اش به نجف منتقل و مدفون شد. از شیخ جعفر شوشتری تألیفات ارزشمند و متعددی به جای مانده که هر یک از آن‌ها، نشان دهنده‌ی وسعت فکر و دقت نظر اوست. اصول الدین، الخصائص الحسینیة و مجالس البکا از آن جمله‌اند.

* تولد آیت الله العظمی «مرعشی نجفی» (1315 ق)

اشاره:

سید محمود مرعشی و همسرش در نجف در خانه‌ای ساده اما در کمال صفا و محبت روزگار می‌گذرانیدند. آنان در بین الطلوعین روز پنجشنبه 20 صفر 1315 ه. ق (1276 ه. ش)، در موجی از شادی و شفق قرار گرفتند زیرا چشم‌شان به روی نوزادی خجسته روشن شد.

درخت امیدشان در باغ آرزو به بار نشست؛ بهار زندگی آن زوج جوان رونقی شکوهمند یافت و آن آشیانه محقر زینتی دیگر به خود گرفت. با ولادت این کودک فرخنده صدای سپاس، حمد و شکر و دعا از خانه سید محمود به درگاه خداوند متعال بلند گردید و مادر پس از آن همه رنج و زحمت دوران بارداری و مدت‌ها چشم‌انتظاری با شوقی زاید الوصف خدای خویش را شکر می‌گفت چرا که کودک خود را با سلامت و سربلندی به دنیا آورده بود. این شادی‌ها و سرورها تمامی رنج‌ها و آلام او را به بوته فراموشی سپرد.

انتخاب نام نیک برای کودک بیانگر شخصیت دینی و فکری و طرز نگرش و میزان علایق والدین است. هر چه نام آشناتر و پرمحتواتر باشد در شکل‌گیری ابعاد گوناگون شخصیت طفل تأثیرگذارتر است. بدین خاطر در فرهنگ اسلامی انتخاب نام جهت فرزندان اهمیت وافری دارد و برای مراسم نامگذاری، آداب و ویژه‌ای در نظر گرفته شده است.

بر اساس سنت‌های خانوادگی در نجف رسم بر این بود که هر مولودی را نزد علما می‌بردند تا نامی برایش مشخص کنند. این طفل را پس از ولادت، تطهیر و تنظیف، به آستان مقدس علوی دخیل نمودند.

در واقع نخستین روزهای زندگی وی با رایحه عطرآگین و باقداست ضریح امیر مؤمنان (ع) عبیرآگین گشت.

سپس کودک را نزد محدث نوری بردند که وی پس از گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ، نام خودشان یعنی «محمدحسین» را برایش تعیین نمودند. اگرچه امروزه ایشان به چنین نامی معروف نمی‌باشند، بعد او را خدمت زاهد زمان و شیخ فقه‌ا و مجتهدین میرزا حسین بن میرزا خلیل بردند و آن فقیه عارف اسم «آقاجفی» را مرحمت نمود.

سپس نوزاد را خدمت عارف معروف سیدمرتضی کشمیری بردند و آن جمال سالکان و زینت عارفان، گنیه «ابوالعالی» را برای آن کودک تعیین نمود. همچنین وی را خدمت آیت‌الله سیداسماعیل صدر بردند که آن سید فقه‌ا، لقب «شهاب‌الدین» را برایش مشخص کرد. در خاتمه نوزاد را به محضر شیخ محمد طه نجف بردند و آن عالم عامل ادعیه و اذکار وارده را در باره طفل قرائت نمود.